

یادداشت انتقادی بر کتاب «سودای تفکیک»

محمد رضا ارشادی نیا^۱

۱. معرفی و توصیف اثر و ارزیابی شکلی آن

عنوان کتاب:

سودای تفکیک: جستارهایی در سنت فکری، روش‌شناسی و شخصیت‌شناسی مکتب تفکیک

نگارنده: سیدحسین اسلامی اردکانی

ناشر: تهران کرگدن، ۱۳۹۷

ساختار کتاب: پس از مقدمه، دارای پنج بخش است. بخش نخست با عنوان «زمینه» مشتمل بر دو گفتار است. گفتار نخست با عنوان «سنت فلسفه‌ستیزی در بستر تاریخ»؛ گفتار دوم با عنوان «اعتبار منطق ارسطو در تفکر معاصر غرب». بخش دوم با عنوان «اندیشه‌ها» دارای سه گفتار است. گفتار نخست با عنوان «مکتب معارفی خراسان و تفکر فلسفی»؛ گفتار دوم با عنوان «فقنوس فلسفه: روش‌شناسی مکتب تفکیک»؛ گفتار سوم با عنوان «ده اصل روشی مکتب تفکیک». بخش سوم با عنوان «شخصیت‌ها» دارای سه گفتار است. گفتار نخست با عنوان «میرزاجواد تهرانی و مکتب تفکیک»؛ گفتار دوم با عنوان «طباطبایی و دفاع از منزلت عقل»؛ گفتار سوم «آشتیانی و سنت فلسفه‌ستیزی». بخش چهارم با عنوان «نقد کتاب و پاسخ نقد» دارای چهار گفتار است. گفتار نخست با عنوان «الاهیات الهی و الاهیات بشری: نقدی روش‌شناختی»؛ گفتار دوم با عنوان «آیا قیاس فقهی همان قیاس منطقی است؟» گفتار سوم با عنوان «رتوش واقعیت: بررسی نقد آیا قیاس فقهی همان قیاس منطقی است؟»؛ گفتار چهارم با عنوان «درباره رؤیای خلوص». بخش پنجم با عنوان «گفت‌وگو» دارای دو گفتار است. گفتار نخست با عنوان «الحیاء نمونه عالی سلطه تفکر چپ در ایران است»؛ گفتار دوم دارای عنوان «گفت‌وگویی درباره کتاب رؤیای خلوص» است. این اثر از جهت ویژگی‌های فنی از شاخصه‌های حداکثری یک کتاب برخوردار است. طرح جلد، صحافی، قطع، نوع و اندازه قلم، صفحه‌آرایی و سایر آن‌چه برای مخاطب جالب توجه است در آن رعایت شده است. هم‌چنین از جهت اصول نگارش نهایت دقت در آن به انجام رسیده است. ارجاع‌دهی متناسب با مطالب نیز جایگاه بالایی را به خود اختصاص داده و فهرست منابع موفور آن شاهد بر مطلب است.

^۱. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، mr.ershadinia@hsu.ac.ir

۲. تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

مسئله‌مندی کتاب و پاسخگویی به نیازهای علمی و کاربردی کشور

این اثر به مسئله‌ای می‌پردازد که چند دهه به ویژه دهه هفتاد، اندیشه عمومی را با پشتوانه تبلیغات و در حقیقت جنجال و هیاهو و شبهه‌زایی، به خود مشغول داشت. مسئله‌ای با عنوان فریبنده ستردن دین از فکر فلسفی و عرفانی که از سوی یکی از هواداران آن به عنوان «مکتب تفکیک» مطرح گشت و در نشریه کیهان فرهنگی در سال هفتاد که توسط برخی افراد دارای موضع ضدفلسفی و عرفانی و همسو با تفکیکیان مدیریت می‌شد، در سطح وسیع منتشر گشت. اکثر قریب به اتفاق دعاوی منتشر در آن نشریه برساخته‌هایی بود بدون پشتوانه در پیشینه آثار شخصیت‌های تفکیکی. در حقیقت هرچه این دعاوی تلاش داشت روشی نظام‌مند برای تفکیکیان با عنوان «مکتب تفکیک» با پیشوند و پسوند القاب و اوصاف انبوه، القا کند، اما با مراجعه به آثار اصلی تفکیکیان اثری از این روش نظام‌مند ادعایی موجود نبود. آثاری که در نقد روشی و محتوایی دعاوی تفکیکیان منتشر گشت، هویت اصلی فلسفه‌ستیزی حاد و عرفان‌گریزی آنان را به افکار عموم اندیشمندان شناساند. از این پس بود که نگارنده طرحنامه تفکیکیان (موسوم به مکتب تفکیک)، در اکثر نگاهشده‌های متداخل خود، با سُخره و استهزاء و تحقیر و تصغیر با ناقدان روبه‌رو شد و مکرر در مکرر، آنان را کمتر از آن معرفی کرد که قابلیت فهم فکر تفکیکی را داشته باشند. دیگر هواداران تفکیکی نیز گرچه با وجهه‌نمایی برای خود، به قلم دست برده و به ظاهر به نقد علمی ناقدان دست زدند اما چیزی جز فزودن اتهام بر اتهام و شبهه بر شبهه نیفزودند. کتاب «سودای تفکیک» جستارهایی است برای روایت التهاب‌آفرینی «سنت فکری، روشی و شخصیت‌های مکتب تفکیک». هرچه این «جستارها» با حوصله و منطق پیراسته با دعاوی حاد تفکیکیان روبه‌رو شده و هرچه از حریف منطقی روشمند مطالبه کرده کمتر کسی شاهد رویه‌ای علمی و منطقی از آنان بوده است. این واقعیت را در این کتاب در جریان نقد و نقد نقد و ... می‌توان مشاهده کرد. این کتاب گردآوری شده از مقالات مختلفی است که نگارنده در نشریات علمی در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵ به اقتضای زمان منتشر نموده است، که به سهم خود، نشانگر دغدغه ضمیر بیدار اندیشه عقلانی در مراکز علمی؛ دانشگاهی و حوزوی است. این اثر حداقل این اثر را دارد که پیامزد هر ادعایی را نمی‌توان با جنجال به کرسی باور نشانند. مطالعه این اثر برای اندیشه‌ورزان بسیار مفید است. با این همه نکاتی را که پس از این به عنوان ارزیابی این اثر در پی می‌آید ناظر به ساختار کتاب است نه محتوای آن.

ارزیابی نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف کتاب

«زمینه» مشتمل بر دو گفتار است. گفتار نخست با عنوان «سنت فلسفه‌ستیزی در بستر تاریخ» و گفتار دوم با عنوان «اعتبار منطق ارسطو در تفکر معاصر غرب».

بهتر آن بود که به وجه تسمیه این بخش به «زمینه» و ارتباط زمینه‌ساز آن با سایر مطالب کتاب اشاره می‌شد. البته ممکن است برای کسانی که با تفکیک‌گرایی آشنایی پیشین داشته باشند وجه تسمیه زمینه نسبت به تفکیک‌گرایان روشن باشد و دیگران نیز بعد از این با مطالعه سایر بخش‌ها متوجه شوند که تفکیکی‌ها فلسفه‌ستیز یا منطق‌ستیز هستند. اما به هر جهت وجه زمینه‌ساز آن با سایر مطالب پسین روشن نیست. به‌ویژه در بخش نخست که حتی یک ارجاع به آثار تفکیکیان وجود ندارد. بخش دوم اگرچه ناظر به مدعاهای آقای حکیمی است. اما این خرده را با خود دارد که با درج واژه «مکتب تفکیک» در عنوان کتاب، محتوا نیز باید شمول بر دیدگاه همه شخصیت‌ها و سنت فکری یا اغلب آنان باشد. و بسنده کردن به مدعاهای یک تن از آنان و تعمیم آن به همه از خلل خالی نیست.

بخش دوم با عنوان «اندیشه‌ها» دارای سه گفتار است. گفتار نخست با عنوان «مکتب معارفی خراسان و تفکر فلسفی»؛ گفتار دوم با عنوان «قنوس فلسفه: روش‌شناسی مکتب تفکیک»؛ گفتار سوم با عنوان «ده اصل روشی مکتب تفکیک». چنانچه از عناوین پیدا است دو گفتار این بخش پیرامون روش تفکیکیان است و با عنوان کلی بخش که در صدد است محتوای اندیشه آنان را بیان کند کمتر تناسب دارد. نیز گفتار سوم فقط اصول روشی را مورد بحث قرار داده که از سوی یکی از تفکیکیان (آقای حکیمی) ادعا شده و او نماینده خودخوان تفکیکیان است و از اصول مدعایی او در قول و عمل سایر تفکیکیان کمتر خبری هست. مطالب گفتار اول با گفتار دوم هم‌سو و برخی تقریباً تکراری است. اگر عنوان کلی این بخش «روش‌شناسی تفکیکیان بنابه روش ادعایی آقای حکیمی» بود، تناسب و انسجام آن بیشتر بود و مخاطب دچار دوگانگی نمی‌گشت.

بخش سوم با عنوان «شخصیت‌ها» دارای سه گفتار است. گفتار نخست با عنوان «میرزا جواد تهرانی و مکتب تفکیک»؛ گفتار دوم با عنوان «طباطبایی و دفاع از منزلت عقل»؛ گفتار سوم با عنوان «آشتیانی و سنت فلسفه‌ستیزی». چنانچه عنوان این بخش اشعار به آن دارد به معرفی «شخصیت‌ها» اختصاص دارد اما فقط یکی از شخصیت‌های این دیدگاه آقای «میرزا جواد تهرانی» مورد کنکاش قرار گرفته و مواضع او به نقد و واکاوی سپرده شده است. اما تناسب دو عنوان دیگر آن با عنوان کلی بخش معلوم نیست بلکه نامتناسب است. زیرا عناوین آن دو قسمت یکی با عنوان «طباطبایی» و دیگری با عنوان «آشتیانی» چه تناسبی با عنوان کلی دارد؟ اگرچه در محتوای این دو عنوان به نقد شخصیت‌های تفکیکی هم پرداخته شود اما نمی‌تواند زیرمجموعه عنوان بخش قرار گیرد. ممکن است به نظر آید که منظور از عنوان «شخصیت‌ها» اعم از موافق و مخالف است. در این صورت باید گفت: نخست: باید در عنوان قید می‌شد و دوم این که در پیوست عنوان کتاب، «شخصیت‌های مکتب تفکیک» قید شده است که این توجیه را غیرقابل قبول می‌نمایاند. به هر حال این عنوان با پرداختن تنها به یک شخصیت از تفکیکیان، چندان قابل توجیه نیست و دو عنوان دیگر بدون مناسبت است.

بخش چهارم با عنوان «نقد کتاب و پاسخ نقد» دارای چهار گفتار است. گفتار نخست با عنوان «الاهیات الاهی و الاهیات بشری: نقدی روش‌شناختی»؛ گفتار دوم با عنوان «آیا قیاس فقهی همان قیاس منطقی است؟» گفتار سوم با عنوان «رتوش واقعیت: بررسی نقد آیا قیاس فقهی همان قیاس منطقی است؟»؛ گفتار چهارم با عنوان «درباره رؤیای خلوص».

عنوان کلی بخش «نقد کتاب و پاسخ نقد»، مخاطب را به ایهام می‌اندازد که کتابی از سوی نگارنده نقد شده و کسی از آن نقد پاسخ داده است. حال آن‌که سه کتاب مورد نقد نگارنده بوده و نقدهایی از سوی دیگران بر برخی از این کتاب‌ها انجام گرفته است و سپس نگارنده پاسخ آن نقدها را بر کتاب‌های خویش داده است. در حقیقت این بخش مجموعه‌ای است از نقد، نقد نقد و نقد نقد. عنوان قسمت‌ها نیز نارسا است. مثلاً در گفتار نخست زبینه بود عنوان به «نقدی روش‌شناختی بر کتاب الاهیات الاهی و الاهیات بشری» تغییر می‌یافت. سپس در گفتار دوم «آیا قیاس فقهی همان قیاس منطقی است؟» از عنوان اصلی حذف می‌شد و با همان عنوان «بررسی کتاب مسئله قیاس: تحلیل کاربرد قیاس در اصول و فروع دین» آغاز می‌گشت تا انسجام و ربط آن با عنوان بخش واضح باشد. البته اگر عنوان سؤالی به عنوان فرعی تغییر مکان می‌داد بسیار مناسب‌تر بود.

گفتار سوم نیز با عنوان «رتوش واقعیت» چندان مطابق با پایبندی به ادبیات اصیل خودی نیست و بهتر بود از واژگان فارسی، نه بیگانه، استفاده می‌شد. به ویژه که توضیحی موجود نیست که معلوم گردد چه کسی و چگونه به رتوش واقعیت دست زده است. گویا نگارنده بر ذهنیت خود اتکا کرده و مخاطب را آشنا به ذهنیت خود تصور کرده است.

بخش پنجم با عنوان «گفت و گو» دارای دو گفتار است. گفتار نخست با عنوان «الحیاء نمونه عالی سلطه تفکر چپ در ایران است»؛ گفتار دوم دارای عنوان «گفت و گویی درباره کتاب رؤیای خلوص» است.

بهتر بود عنوان گفتار نخست به سان عنوان دوم متناسب با عنوان اصلی بخش انتخاب می‌شد. مثلاً گفت و گویی درباره کتاب الحیات.

از نکات قابل بیان که به انسجام موضوع‌بندی کتاب خدشه وارد ساخته این است که برخی عناوین جمله اخباری یا استفهامی است. این‌ها برخی ملاحظات درباره این کتاب مفید است.

با این همه از نقاط قوت نگارنده است که با صبر و حوصله تام و با منطق وزین با هیاهوی تفکیکیان و هواداران آنان روبه‌رو شده و نخواستہ با منطق «ردّ الحجر...» پاسخ گوید. نقد مستند و تحلیل‌های موجه هر بی‌طرف را به مسیریابی صحیح جهت می‌دهد. نیز در موضعی به آسیب‌شناسی نقد هر دو طرف پرداخته و طغیان قلم را گوشزد نموده است. در کل این «جستارها» به ویژه برای آنان که با فاصله از تفکیک‌گرایی و تبلیغات پرچنجال هوادارانش چیزها می‌شنوند بسیار مفید است. رعایت اصول اخلاقی و ادبیات نرم و متناسب با نقد علمی به میزان رضایت‌بخش در این کتاب رعایت شده است.

۳. ارزیابی نهایی اثر

دشوار است اثری بتواند جوانب مختلف تفکیک‌گرایی و پیامدهای منفی آن را نشان دهد. این اثر می‌تواند گوشه‌چشمی به تبعات برخی از جوانب جریان تفکیکی باشد. این مقالات مختلف که با «عنوان سودای تفکیک» گرد آمده است. در نوع خود بیدارکننده، هشداردهنده و آگاهی‌بخش و آموزنده است و روح آزاداندیشی را تقویت می‌کند. به جز آنچه درباره ساختار کتاب گفته شد از جهت دیگری مشکل در محتوای کتاب مشاهده نمی‌گردد.